

یومِیاکرام بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اِنْقُوا دَعْوَةَ الْمَظْلُوْمِ؛ فَاِنَّمَا يَسْأَلُ اللّٰهُ تَعَالٰى حَقَّهٗ وَاِنَّ اللّٰهَ تَعَالٰى لَم يَمُنْعُ دَا حَقِّيْ حَقَّهٗ.

از دعای ستم‌دیده بترسید؛ زیرا که او از خداوند عَزَّ و جَلَّ حَقِّ خود را می‌طلبد و خداوند هیچ حقداری را از حَقِّش محروم نمی‌کند.

میزان الحکمه ج / ۵۶۶



خورشید همواره در چشمان مادرانی طلوع می‌کند که به دوردست‌ها خیره شده‌اند و برای فرِداها مردان و زنانی می‌پروارند تا در زمین، این امانت الهی، جان‌شینی آسمانی باشند.

دامان تربیت‌مداران، مهد پرورش انسان‌های پاک و خدایی است و ما با نگاهی درس‌آموز از زندگانی این مادران توشه معرفت برمی‌چینیم. یکی از مادران برجسته تاریخ «ام‌البنین، فاطمه کلایبه» است که زندگی او مالا مال از عشق به ولایت و امامت بوده و در تربیت فرزندان دلیر و شجاع و بادب چون عباس‌بن علی ^{علیه السلام} بسیار موفق بوده است.

- از قبيله خورشيد**

«حزام‌بن خالدبن ربیع‌بن وحیدبن کعب‌بن عامربن کلاب» پدر ام‌البنین است؛ مردی شجاع و دلیر و راستگو که از صفات ویژه او، اکرام به میهمان و منطقی قوی اوست. تاریخ ویژگی‌های این مرد بزرگ را به مناسبت‌های گوناگون چون جریان خواستگاری ام‌البنین و ازدواج حضرت علی ^{علیه السلام} ذکر می‌کند.

مادر بزرگوار ام‌البنین، «ثمامه (لیلی) دختر سهیل‌بن عامربن جعفربن کلاب» است که در تربیت فرزندان کوشا بوده و تاریخ از وی چهره درخشانی را به تصویر کشیده است. بینش عمیق، دوستی با فرزندان در کنار وظیفه مهم مادری و چونان معلمی دلسوز، آموختن باورهای اعتقادی و مسائل مربوط به همسرداری و آداب معاشرت با دیگران، از جمله ویژگی‌های خاص این بانو است.

در بسیاری از کتب تاریخی نام یازده‌تن از مادران وی ذکر شده است که همگی از خانواده‌های شریف و اصیل عرب بوده‌اند و به‌واقع مصداق بارز «شجره طیبه» می‌باشند؛ شجره‌ای که اصل آن در زمین است و فرع آن در آسمان‌ها و حاصل و نتیجه این درخت پاک، همانا عباس‌بن علی ^{علیه السلام} و عثمان و لیبید شاعر و ابوبراهین عامر و … بوده‌اند.

پیامبر گرامی ^{صلی الله علیه و آله} فرمود: ای مردم! برحذر باشید از سبزه‌زاری که بر روی مزبله (منجاحب) می‌رویذ. سؤال شد از حضرت که سبزه‌زاری که بر مزبله بروید، چیست؟

حضرت فرمود: زن زیبارویی که در خانواده پلید و نادرست رشد کرده باشد.^۱ از این روست که علی‌بن ابی‌طالب ^{علیه السلام} آنگاه که قصد ازدواج دارد، به برادر خویش، عقیل‌بن ابی‌طالب که در علم «انساب» معروف بود و ذهن و سینه‌اش، گنجینه‌های از اسرار خاندان گوناگون عرب بوده، می‌فرماید:

«زنی را برای من اختیار کن که از نسل دلیرمردان عرب باشد تا با او ازدواج کنم و او برایم پسری شجاع و سوارکار به دنیا آورد.»^۲

و عقیل در پاسخ برادر گفت:

«با ام‌البنین کلایبه ازدواج کن؛ زیرا در عرب شجاعت‌تر از پدران و خاندان وی نیست.»

و سپس در مورد جد مادری ام‌البنین، ابوبراه عامرین مالک که در آن روز از جهت دل‌آوری و شجاعت کم‌نظیر بود، می‌گوید:

«ابوبراه عامرین مالک جد دوم فاطمه کلایبه از شجاعت در میان قبایل عرب بی‌نظیر است و کسی را شجاعت‌تر از او جز حضرتت نمی‌شناسم؛ از این‌رو او را بازی‌کننده با شمشیرها؛ ملاحب الأسنة می‌نامند.»^۳

گویی نگاه نافذ علی ^{علیه السلام} از مرز زمان‌ها عبور کرده و کربلا را با همه سختی‌هایش می‌بیند و برای یاری حسین ^{علیه السلام} از امروز در پی مادری شجاع از خاندان شجاع و دلیر است تا فرزندی چونان عباس، پدر فضیلت‌ها، به دنیا آورد و او یاری‌گر حسین ^{علیه السلام} در کربلا باشد.

در خاندان و تبار پاک ام‌البنین ^{علیه السلام} چند ویژگی مهم وجود دارد که همگی در وجود عباس ^{علیه السلام} به ظهور رسید و او را مانا کرد.

الف: شجاعت و دل‌آوری که در کربلا زیباترین چهره خویش را نمایاند.

ب: ادب و مناعت و عزت نفس که در زندگانی ۳۴ ساله عباس‌بن علی ^{علیه السلام} به‌وضوح دیده می‌شود.

ج: هنر و ادبیات که ام‌البنین از «دایی» خویش، لیبید شاعر به ارث برده بود و فرزند عزیزش عباس ^{علیه السلام} از مادر ادیبه خود. [البته شاعران دیگری در این خاندان می‌زیسته‌اند.]

د: ابتنازگری و احترام به حقوق دیگران که نمود آن، در عشق به ولایت و امامت متجلی شد.

ه: وفا و پایبندی به تعهدات.

مهمترین درسی که از ازدواج حضرت علی ^{علیه السلام} و ام‌البنین می‌آموزیم، داشتن معیارهای منطقی و صحیح در انتخاب همسر آینده است.

اگر جوانان ما معیارهای اخلاقی و معنوی را جای‌گزین معیارهای مادی و ظاهری کنند، زندگی مشترک آنها با سعادت و سلامت خانوادگی توأم خواهد بود. ملاک‌های مادی و صوری ناپایدار بوده و به زندگی رنگ سبز عشق و محبت نمی‌بخشد و با از دست دادن یک امتیاز مادی، پایه‌های زندگی‌ای که با آنها بنا شده است، سست شده و فروریزختن سقف خانواده حتمی خواهد بود.

سرخ بزرگان
آیت‌الله جوادی ^{علیه السلام}
<p>دعای مظلوم دل‌شکسته، از دعا‌های مستجاب است؛ لذا هنگام بی‌پناهی و دل‌شکستگی برای خود و دیگران دعا کنید و بدانید بهترین دعا آن است که از قلب خود انسان برخیزد.</p>

- بینش و بینایی**

افق فکری و نگرش ام‌البنین آنقدر بالا و والاست که فرزندی چون عباس را که خود یگانه دهر بود، فریانی آرمان‌ها و اندیشه‌های آسمانی امام و مولای خویش، حسین ^{علیه السلام} می‌کند و اگر آه و سوزی برای مظلومیت می‌کشد، آهی است بر مظلومیت حسین ^{علیه السلام}.

علامه مامقانی در کتاب تنقیح‌المقال می‌نویسد:

«علاقه و ارادت او [ام‌البنین] به حسین ^{علیه السلام} به علت امر امامت بود و این‌که به‌فرض سلامت حسین ^{علیه السلام} مرگ چهار فرزند برومندش را بر خود آسان و قابل تحمل می‌دانست، نشانه بالا بودن درجه ایمان اوست و من او را از نیکان به حساب می‌آورم.»^۱

تبلور این عشق به ولایت و پیروی از امام و پیشوایا مرز از دست دادن جان خود و عزیزان در وجود فرزندان برومند و دلیر این بانوی ولایی بود؛ به‌ویژه عباس‌بن علی ^{علیه السلام} که فرزند بزرگ او بوده و بیشتر صفات مادر را داراست.

- برکرانه‌وفا**

فاطمه کلایبه بنا به‌نقل تاریخ، دومین یا سومین همسر علی‌بن ابی‌طالب ^{علیه السلام} بوده است. آنچه در زندگی مشترک این دو بزرگوار مطرح است، حس وفاداری به یکدیگر و احترام متقابل می‌باشد.

وقتی عقیل به خواستگاری ام‌البنین برای مولایش علی‌بن ابی‌طالب آمد، با حزام‌بن خالد، پدر او، در این باره صحبت کرد و «حزام» با کمال صداقت و راستگویی گفت: «شایسته امیرالمؤمنین ^{علیه السلام} یک زن بادیه‌نشین با فرهنگ ابتدایی بادیه‌نشینان نیست. او با یک زن که فرهنگ بالائی دارد، باید ازدواج کند و این دو فرهنگ با هم فرق دارند.»

عقیل پس از شنیدن سخنان وی گفت:

«امیرالمؤمنین ^{علیه السلام} از آنچه تو می‌گویی، خبر دارد و با این اوصاف، میل به ازدواج با او دارد.»

پدر ام‌البنین ^{علیه السلام} از عقیل مهلت خواست تا از مادر دختر، ثمامه بنت سهیل و خود دختر سؤال کند و به او گفت: «زنان بیشتر از روحیات و حالات دختران‌شان آگاه هستند و مصلحت آنها را بیشتر می‌دانند.»

وقتی پدر ام‌البنین به نزد همسر و دخترش برگشت و دید همسرش موهای ام‌البنین را شانه می‌زند و او از خوابی که شب گذشته دیده بود، برای مادر سخن می‌گفت:

«مادر خواب دیدم که در باغ سرسبز و پردرختی نشسته‌ام، نهرهای روان و میوه‌های فراوان در آنجا وجود داشت. ماه و ستارگان می‌درخشیدند و من به آنها چشم دوخته بودم و درباره عظمت آفرینش و مخلوقات خدا فکر می‌کردم؛ در مورد آسمان که بدون ستون بالا قرار گرفته است و همچنین روشنی ماه و ستارگان… در این افکار غرق بودم که ماه از آسمان فرود آمد و در دامن من فرار گرفت و توری از آن ساطع می‌شد که چشم‌ها را خیره می‌کرد. در حال تعجب و تحیر بودم که سه ستاره نورانی دیگر هم در دامنم دیدم. نور آنها نیز مرا میهوت کرده بود. هنوز در حیرت و تعجب بودم که هائقی ندا داد و مرا با اسم خطاب کرد. من صدایش را می‌شنیدم؛ ولی او را نمی‌دیدم. او گفت:

«فاطمه مزده باد تو را به سیادت و نورانیت!! به ماه نورانی و سه ستاره درخشان[که] پادشاهن سید و سرور همه انسان‌هاست بعد از پیامبر گرامی و این‌گونه در خیر آمده است. پس از خواب بیدار شدم؛ درحالی‌که می‌ترسیدم. مادرا! تأویل رؤیای من چیست؟!» مادر به دخترک فهیمه و عاقله خود گفت: «دخترم رؤیای تو صادقه است! ای دخترکم! به‌زودی تو با مرد جلیل‌القدری که مجد و عظمت فراوانی دارد، ازدواج می‌کنی؛ مردی که مورد اطاعت امت خود است. از او صاحب ۴ فرزند می‌شوی که اولین آنها مثل ماه چهره‌اش درخشان است و سه‌تای دیگر چونان ستارگانند.»

پس از صحبت‌های دوستانه و صمیمانه مادر و دختر، حزام‌بن خالد وارد اتاق شد و از آنها در مورد پذیرش علی ^{علیه السلام} سؤال کرد و گفت:

آیا دخترمان را شایسته همسری امیرالمؤمنین ^{علیه السلام} می‌دانی؟ بدان که خانه او خانه وحی و نبوت و خانه علم و حکمت و آداب است. اگر دخترت را اهل و لایق این خانه می‌دانی – که خادمه این خانه باشد – قبول کنیم و اگر اهلیت در او نمی‌بینی، پس نه؟

همسر او که قلبی مالامال از عشق به امامت داشت، گفت:

ای حزام! به‌خدا سوگند! من او را خوب تربیت کردم و از خدای متعال و قدیر خواستارم! او واقعاً سعادتمند شود و صالح باشد برای خدمت به آقا و مولایم امیرالمؤمنین ^{علیه السلام}. پس او را به علی‌بن ابی‌طالب ^{علیه السلام}، مولایم، ترویج کن.^۲

اگرچه خواب حجت نیست و جهت امور مهمی مثل ازدواج نمی‌توان تنها به خواب‌ها اکتفا کرد؛ ولی راهنمای خوبی برای رسیدن به مقصود می‌باشد. اگر بیننده خواب مهذب باشد و طهارت ظاهری و باطنی را حفظ کند و اندیشه‌های شیطانی و خطورات ذهنی پراکنده نداشته باشد، خواب‌های او، دارای تعبیر و تأویل مناسبی خواهد بود. ام‌البنین از شخصیت‌هایی بود که این طهارت را داشته و همواره در رفتار و کردار خویش راه صحیح و مناسب را پیش می‌گرفته است و از این‌رو رؤیای او به این زیبایی لباس واقعیت و حقیقت می‌پوشد و چهار پسر برای سید علمایان علی ^{علیه السلام} می‌آورد که یکی قمر بنی‌هاشم ^{علیه السلام} می‌شود و آن دیگران نیز، ستارگان آسمان ولایت و امامت هستند. این‌گونه ازدواج آسمانی این دو بزرگوار صورت می‌گیرد و در طول زندگی مشترک، همواره اطاعت و احترام و تکریم و ملاحظت در مورد فرزندان علی ^{علیه السلام} از سوی ام‌البنین مشهود بوده است.

در هنگام شهادت مولا علی‌بن ابی‌طالب ^{علیه السلام} فرزند بزرگ ام‌البنین، عباس‌بن علی ^{علیه السلام}، کمتر از ۱۵ سال سن داشت و همراه با برادرانش که کوچکتر از وی بودند، در دوران کودکی، پدر بزرگوار خویش را از دست داده و غبار یتیمی بر سیمای‌شان نشسته بود.

این زن فداکار و ابتنازگر، جوانی و نیروی خویش را صرف تربیت و حفظ فرزندان خانه ولایت نموده و چونان گذشته، خود را وقف فرزندان فاطمه زهرا ^{علیه السلام} نیز می‌کرد و به‌سان مادری مهربان و دلسوز در خدمت آنها بود.

وفاداری ام‌البنین ^{علیه السلام} به همسر بزرگوار خویش به‌حدی است که پس از شهادت حضرت علی ^{علیه السلام} با آن‌که جوان بوده و از زیبایی ویژه نیز برخوردار می‌باشد تا پایان عمر ازدواج نکرده و همسر دیگری را اختیار نمی‌کند. این همسر شهید ابتنازگونه به تربیت فرزندان علی ^{علیه السلام} مشغول بوده و بذر عشق و محبت و ابتناز در وجود آنها می‌افشاند.

- نگرش سیاسی**

از ویژگی‌های بسیار مهم حضرت ام‌البنین ^{علیه السلام} توجه به زمان و مسائل مربوط به آن است. وی پس از واقعه عاشورا از مرتبه‌خوانی و نوحه‌سرایی استفاده کرده تا ندای مظلومیت کربلایان را به گوش نسل‌های آینده برساند.

ام‌البنین برای عزاداری هر روز به‌همراه عبیدالله فرزند حضرت عباس‌بن علی ^{علیه السلام} به بقیع می‌رفت و نوحه می‌خواند و گریه می‌کرد و این اشعار را می‌خواند:

افجوزة

- سال بیست و دوم
- شماره ۷۸۱
- دوشنبه ۴ دی ۱۴۲۰
- ۱۲ صفحه • ۵۰۰۰ تومان

Ofogh-e Hawzah Weekly
<ul style="list-style-type: none">صاحب امتیاز: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه مسئول مرکز رسانه و فضای مجازی مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه: رضارستمی سردبیر: رمضانعلی عزیزی • با همکاری هیأت تحریریه تلفن: ۳۲۹۰۵۳۸ • شماره: ۳۲۹۰۱۵۳۳ صندوق پستی: ۳۷۱۸۵/۴۳۸۱ نشانی: قم، بلوار جمهوری، کوچه ۲، بلاک ۱۵ پایگاه اینترنتی: www.ofoghhawzah.ir پست الکترونیک: info@ofoghhawzah.ir کارشناس فنی چاپ: مصطفی اویسی • چاپ: صمیم ۴۴۵۳۳۷۲۵

عطرپار

سرغیبت

ملامحسن فیض کاشانی

غم زمانه که هیچش گران نمی‌بینم

دواش غیر امام زمان نمی‌بینم

عجب بود که در ایام ما ظهور کند

چرا که طالع خویش آن چنان نمی‌بینم

چرا که مصلحت خود در آن نمی‌بینم

بدین دویده حیران من هزار افسوس

که با دویینه رویش عیان نمی‌بینم

نشان دوستی اهل بیت پرهیز است

در اهل دانش عصر این نشان نمی‌بینم

مپرس فیض ز من سر غیبتش که در آن

به هیچ‌جا سخن دل نشان نمی‌بینم

کسی که گوش کند ناله‌ام در این غم‌گو؟

خמוש که اهل دلی در جهان نمی‌بینم

<div><div> </div><div>«یا من رای العباس کر علی جماهیر النقد /وروه من ابناء حیدر کل لیث ذی لید»^{۱۳}؛ ای آنکه عباس را دیدی درحالی‌که بر گره ضعیفان حمله می‌کرد و ذیبال او از فرزندان حیدر جنگاورانی بودند که هر یک دارای مال و پولایی بودند.</div></div>
<div><div> </div><div>و آنگاه که در عزای فرزندان شجاع و دلیر خود می‌گریست، می‌گفت: «دیگر مرا ام‌البنین می‌خوانید؛ زیراکه این نام مرا به یاد شیران بیشه می‌اندازد. من پسرانی داشتم که به‌نام آنها مرا ام‌البنین می‌خواندند؛ اما دیگر فرزند پسری ندارم.»</div></div>

خواندن اشعار برای عزاداری گاه جنبه‌های دیگری دارد. ام‌البنین با این اشعار هم حماسه کربلا و شجاعت پسران خود و مظلومیت حق را به مردم زرنی آمد و آیندگان معرفی می‌کرد و هم تاریخ کربلا را واگویی می‌کرد و در قالب عزاداری و مرثیه‌سرایی نوعی اعتراض به حکومت وقت می‌کرد و مردم که اطراف او اجتماع می‌کردند و نسبت به عمل بنی‌امیه متفکر و منزجر می‌شدند.

به‌راستی وقتی قبر مطهر عباس ^{علیه السلام} و برادرانش در کربلاست، چرا ام‌البنین به بقیع می‌رود؟ آیا به این نیست که مردم در آنجا اجتماع می‌کنند؟ و آیا به‌خاطر این نیست که بزرگان اسلام و پیشینه اسلامی مردم، در این خاک خفته‌اند و در آنجا مردم به یاد حماسه‌های جوان‌مردان صدر اسلام می‌افتانند؟

مسئله مهم دیگر اینکه چرا فرزند عباس، عبدالله، را همراه خود می‌برد؟ آیا این عمل برای این نبود که نسل آینده را نسبت به حقایق آگاه و بینا کند؟ آیا این یک تربیت سیاسی نبود؟ آیا او در صدد این نبود که پیام عاشورا را به مردم ابلاغ کند و پرچمدار این پیام‌رسانی همانا فرزند علمدارن حسین ^{علیه السلام}، عبیدالله، نباید باشد؟ ام‌البنین، این شجاع‌ترین زن بنی‌کلاب که از پیام‌آوران کربلاست، چونان زینب، دختر علی ^{علیه السلام}، رسالتی بر دوش دارد و اکنون به انجام آن رسالت مهم و ویژه همت می‌گمارد. گفتنی است که عبیدالله‌بن عباس به‌همراه مادرش لبابه در کربلا حضور داشت و سند زنده ای برای بیان وقایع عاشورا بود.

عروج‌عرشی

زندگی سراسر مهر و عاطفه و مبارزه ام‌البنین رو به پایان بود. او به‌نحوه همسر شهید، رسالت خویش را به‌خوبی به پایان رسانید و فرزندی تربیت کرد که فدایی ولایت و امامت بودند و هر ۴ تن در کربلا فریانی آرمان‌های «ولی» و «امام» خویش شدند و بدین‌وسیله بر صحیفهٔ تربیت ام‌البنین، امضای سبز مولای متقیان علی ^{علیه السلام} قرار گرفت.

پس از کربلا بار رسالت سیاسی و اجتماعی خویش را به دوش گرفت و پیام‌های مهم کربلا را به فرودها صادر کرد و ارزش‌های معنوی این حماسه عرفانی را زنده نگاه داشت.

همسر شهید، مادر چهار شهید و طلاهدار پیام‌آوران کربلا پس از زینب ^{علیه السلام} که لحظه لحظه عمر خویش را با خدای خود معامله کرد و لحظه‌ای خطا و انحراف در زندگی وی راه نیافت، در سال ۷۰ ه‍.ق دار فانی را وداع گفت و ۱۴ و در قبرستان بقیع، در کنار سبط رسول خدا، امام حسن ^{علیه السلام} و فاطمه بنت‌اسد و دیگر چهره‌های درخشان شریعت محمدی به خاک سپرده شد.

اگرچه جسم او در خاک است؛ اما روح بلند او و صفات کریمه و عظیمه وی، نام او را به بلندای آفتاب زنده نگاه داشته است و در پرتو صفات این بانوی فاضله، انسان‌هایی تربیت شده‌اند که در تاریخ مانا و ماندگار خواهد بود.

پی‌نوشت‌ها

- ^۱. قمر بنی‌هاشم ^{علیه السلام}، عبدالرزاق المقرم، ص۹.
- ^۲. همان، ص ۱۰.
- ^۳. سوره ابراهیم، آیه ۲۴.
- ^۴. وسائل‌الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۴، ص ۲۹.
- ^۵. قمر بنی‌هاشم، مقرم، ص ۱۵.
- ^۶. تنقیح‌المقال، علامه مامقانی، ج ۳، ص ۷۰ با ترجمه.
- ^۷. وسائل‌الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۴، ص ۲۹.
- ^۸. قمر بنی‌هاشم، مقرم، ص ۱۶.
- ^۹. همان، ص ۱۶.
- ^{۱۰}. تنقیح‌المقال، ج ۲، ص ۷۰ و منتهی‌الأمال، حاج شیخ عباس قمی، ص ۲۲۶.
- ^{۱۱}. تنقیح‌المقال، ج ۳، ص ۷۰.
- ^{۱۲}. مولد عباس‌بن علی ^{علیه السلام}، محمدعلی الناصری، صص ۳۸–۳۶.
- ^{۱۳}. رباعین‌الشریعه، ذبیح‌الله محلاتی، ج ۳، ص ۲۹۴ و تنقیح‌المقال، ج ۳، ص ۷۰.
- ^{۱۴}. محدثات شیعه، دکتر شهلا غروی نائینی، ص ۵۳.